



باورداشت مهدویت

حضرت آیت الله العظمی
حاج آقا لطف الله صافی گلپایگانی

سلسله مباحث مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳): باورداشت مهدویت

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳): باورداشت مهدویت ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

اشاره ----- ۶

باورداشت مهدویت ----- ۱۲

اشاره ----- ۱۲

باورداشت مهدویت ----- ۱۴

اشاره ----- ۱۴

الهام گیری از باورداشت مهدویت ----- ۲۴

اساس عقیده به مهدویت ----- ۲۸

کتاب های مستقل درباره مهدویت ----- ۳۰

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث ----- ۳۳

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین ----- ۳۴

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ----- ۳۴

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت ----- ۳۶

اشاره ----- ۳۶

چهل حدیث ----- ۳۸

درباره مرکز ----- ۶۲

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳): باورداشت مهدویت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : باورداشت مهدویت/لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۶ص.

فروست : سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۳.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۲۹۸۲۹

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۳)

باورداشت مهدویت

حضرت آیت اللّه العظمی

آقای حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

سلسله مباحث امامت و مهدویت

نام کتاب: باورداشت مهدویت

مؤلف: آیت اللّه العظمی لطف اللّه صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعید سعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اوّل / بهار ۱۳۹۰

قیمت: ۶۰۰ تومان

شابک: ۴ ۳۰۷ ۹۷۳ ۹۶۴ ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ ۰۲۵۱

قم صندوق پستی: ۶۱۷

فهرست مطالب

باورداشت مهدویت

باورداشت مهدویت●●● ۹

الهام گیری از باورداشت مهدویت●●● ۱۹

اساس عقیده به مهدویت●●● ۲۳

کتاب های مستقل درباره مهدویت●●● ۲۵

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث●●● ۲۸

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین●●● ۲۹

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام ●●● ۲۹

از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ●●● ۲۹

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

چهل حدیث●●● ۳۳

باورداشت مهدویت

اشاره

باورداشت مهدویت

اشاره

بـدون شّـک "عقیـده به مهـدویت" و اعتقاد به ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام به عنوان منجی عالم بشـریت، باوری صـرفا اسلامی است که براساس کتاب و سنّت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتّفاق نظر دارند و حتّی گروهی از بزرگان و صاحب نظران به متواتر بودن(۱) احادیث وارده در این باب حکم نموده اند.

این باورداشت، به عنوان اندیشه ای اسـلامی، بر پایه قوی ترین برهان های نقلی و عقلی اسـتوار است و بررسـی تاریخ و شواهد بسـیار آن، بهترین تأیید بر صـحّت متانت آن به شـمار می رود وهیچ یک از مسلمانان چه از شیعیان و چه از اهل سنّت به انکار یـا تشـکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از افراد تازه به دوران رسـیده که تحت تأثیر تبلیغات غربیان قرار گرفته و در دام های استعمار گرفتار آمده و فرهنگ

۱- متواتر به معنی "پیاپی"؛ و در اصـطلاح حدیث شناسی، به احادیث متعدّده ای گفته می شود که روایت کنندگان آن در هر طبقه، به گونه ای زیاد باشـند که از مجموع روایات آنها "علم عادی" به صدور آن کلام از معصوم علیه السلام حاصل آید. به عبارت دیگر: اختلاف راویان و تعـدّد آنها در نقل یک خبر از معصوم علیه السـلام به حدّی باشد که توافق آنان بر "کذب" و همدستی آنان در "جعل خبر" ممکن نباشد.

را جز بـا انکـار الهـام و روایـات قطعیه و یـا تعریف و تأویل آن در چهارچوب مقاصـد منکرین دیانت و مادّی گرایان تفسیر و تحلیل نمی کنند.

این کژانـدیشان بـدین وسـیله کوشـیدند تا دری را بگشاینـد که اگر خدای نخواسـته گشوده گشت، دیگر راهی برای اعتماد بر سنّت و اسـتناد به آن و اطمینان به ظاهر کتاب و سـنّت باقی نمی ماند و آیین شـریف اسـلام و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله براساس خواسته بدعت گذاران و هواپرستان، دست خوش تغییر و تحریف قرار می گیرد.

به راستی اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کارآزمودگان و نام آوران این رشـته در گذشـته و حال به تواتر و قطعی بودن آنها تصـریح کرده اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که "خبر واحد"(۱) شمرده می شوند، یا حداقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟

گروهی از اندیشـمندان اسـلامی نسـبت به این گونه منحرفین از کتاب و سـنّت، که با جرأت و جسارت نسـبت به ساحت قدس خداونـد و پیامبر گرامی اش علیه السـلام ، به ایجاد شکّ و تردیـد و تحریف در اصل مسـلّم مهـدویت پرداخته اند، اعلام خطر نموده و کتاب ها و مقالاتی را در ردّ و ابطال نظریات آنان نگاشته اند.

۱- "خبر واحـد"؛ خبری است که نقل کننـده آن، یک یا چنـد "راوی" باشـد، تا آنجا که به حـدّ "تواتر" نرسـیده باشـد. و در اصـطلاح حدیث شناسی، تقسیم بندی های مختلف و اقسام گوناگونی دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با "راوی" عبارتند از: «صحیح، حسن، موثّق و ضعیف».

آنچه مسلّم است اینکه: در پس پرده این توطئه، جز دست هـای پلیـد کسانی که درصـدد سـست کردن اعتقادات مسـلمانان و خـدشه دار کردن متون اسـلامی هسـتند، دستی را نمی توان دیـد. در گذشـته همین التزام و اعتقـاد و پایبنـدی مردم به کتاب و سنّت پـاک پیـامبر صـلی الله علیه و آله بود، که دشـمنان و اسـتعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسـلامی باز می داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می بست و اکنون نیز به خوبی پیداست که چیزی جز سـست شدن همین مبانی اعتقادی و کم شدن پایبندی ها به قرآن مجید و روایات شـریفه نیست، که راه نفوذ و سـلطه را بر بیگانگان گشوده است! خداوند ما را از فتنه های گمراهان و هواپرستان و مزدوران استعمار در امان بدارد.

قابل ذکر اینکه: در تضعیف "باور مهدویت" و احادیث مربوط به آن، اثری از پیشگامان اهل سنّت نیست و در بین صحابه قرن اوّل هجری و تـابعین نیز ذکری از آن به میان نیامـده است. و خنـده آور است که این بی خبران و غرب باوران که به شـدّت از شناخت حقایق اسـلامی و فهم مصالح مسـلمین دور هسـتند گاهی دایه مهربان تر از مادر شده، و این عقیده را سبب اختلاف و درگیری بین مسـلمانان و قیام علیه حکومت ها و موجب تبلیغات سیاسی دانسته اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره ای از احادیث این باب است، استناد کرده اند.(۱)

۱- از جمله این اختلافات، اختلاف بر سـر نامِ "پدر" بزرگوار حضـرت مهدی علیه السـلام است که در پاره ای از روایات اهل سنّت، عبارتِ «اسم ابیه اسم ابی» به حـدیث مشـهور پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله : «اسـمه اسـمی وکنیته کنیتی» افزوده شـده است. به این معنا که: «نام مهـدی همنام من، و کنیه او هماننـد کنیه من، و اسم پـدر او مانند اسم پدر من است» و یا اختلاف بر سر زمان تولـد و مـدت عمر و علامات قبل از ظهور، که همگی این موارد در خود مدارک اهل سـنّت قابل بررسـی بوده و نظر مشهور شیعه نیز بر طبق احادیث وارده در همان کتاب ها قابل اثبات است.

و همه اینها، از عجیب و غریب ترین نوع استدلالاتی است که در ردّ سنّت شریف نبوی صلی الله علیه و آله به آن تمسک شده است. از آن رو که:

اوّلاً: بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اوّل اسلام، و بر اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله اولین پایگاه برای نشر "عقیده به مهدویت" در بین مسلمانان بوده اند، چه دلیلی قوی تر و محکم تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی ترین و معتبرترین کتاب های اهل سنّت است؟!

و چه برهانی روشن تر از اجماع علمای مسلمین، و این که آنان هیچ کس از مدعیان مهدویت را با استناد به "عدم صحّت ظهور مهدی علیه السلام " ردّ نکرده اند؛ بلکه در ردّ ادّعای چنان افرادی، به "عدم وجود صفات و نشانه های خاص مهدی علیه السلام در آنها" استناد کرده اند، چنان که حکایت "محمّد بن عجلان" با "جعفر بن سلیمان" و آنچه فقیهان و اشراف اهل مدینه درباره آنان گفته اند، شاهدی آشکار در این زمینه به شمار می رود.(۱)

۱- جریان محمّد بن عجلان در کتاب "البرهان فی علامت مهدی آخرالزمان" ص ۱۷۴ نقل شده است. محمّد بن عجلان یکی از فقهای مدینه بود که در زمان حکومت بنی عباس با مردی به نام محمّد بن عبداللّه محض که از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام بود، بیعت کرد. منصور، خلیفه عباسی که بسیاری از سادات حسنی را به جرم مخالفت با دستگاه حکومت کشته بود، محمّد بن عجلان را احضار کرد و بعد از تحقیق درباره بیعت او با محمّد بن عبداللّه، دستور داد که دست او را ببرند، و گفت: این دستی که با دشمن من بیعت کرده است، باید بریده شود. فقهای مدینه وساطت کردند و گفتند: این مرد تقصیری ندارد؛ چون فقیه است و برطبق روایات خیال کرده که محمّد بن عبداللّه بن محض، همان "مهدی امّت" است. از این رو با او بیعت کرده و قصد دشمنی با تو را نداشته است.

پس اگر این همه احادیث، با توجّه به فراوانی و تواتری که دارند و با عنایت به اجماع و اتفاقی که از ناحیه علمای اسلامی بر مضمون این احادیث صورت گرفته است، نتوانند دلیل بر صحّت و استواری "عقیده به مهدویت" باشد، پس به کدامین دلیل می توان استناد کرد؟ و درستی انتساب کدامین عقیده اسلامی به صحابه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می توان اثبات نمود؟

ثانیا: شاید هرگز هیچ عقیده و یا اصلی را نتوان یافت که بر سر آن اختلاف و درگیری و نزاع صورت نگرفته باشد. حتّی می توان گفت که: نزاع ها و درگیری ها پیرامون مسائل خداشناسی و نبوّت پیامبران الهی علیهم السلام نیز، بیش از مسئله "مهدویت" به وقوع پیوسته است، چنان که بین مکتب اشاعره و غیر آنان، و بین پیروان مذاهب اهل سنّت (شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی) و غیر آنان، درگیری ها؛ بلکه جنگ های خونین بسیار اتفاق افتاده است.

بلکه می شود گفت: بر سر مفاهیمی همچون "عدالت" و "امنیت"

و سایر مفاهیمی که همه انسان ها بر لزوم آن اتّفاق نظر دارنـد، و بر سر تحقّق آنها و یا دفع کسانی که آنها را وسیله ای برای مقاصـد سیاسی خویش قرار می دادنـد، جنگ های خانمان برانـداز و معرکه های خونینی در گرفته است. و چه بسا که تعـداد قربانیان بشریت، که به اسم "اقامه حقّ" و "رعایت عدالت و برابری" و "حمایت از آزادی انسان و حقوق او" به خاک و خون غلطیده اند، بیشتر از تعداد قربانیان هر موضوع و عنوان دیگری باشد.

نتیجه اینکه: پوشیده شـدن حقّ به باطـل، و عرضه باطـل به جای حقّ، اگرچه از طرف اهل باطل و منحرفین، بسیار صورت می گیرد؛ لکن به حقّ ضرری نمی رساند و خدشه ای وارد نمی کند، چنان که خداوند بزرگ می فرماید:

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَی الْباطِلِ فَیَدْمَغُهُ فَإِذا هُوَ زاهِقٌ وَلَکُمُ الْوَیْلُ مِمّا تَصِفُونَ»؛(۱)

«بلکه ما حقّ را بر باطل می افکنیم تا آن را در هم شـکافد و باطل را نابود گردانـد، آن زمان باطل از بین رونـده و باطل شدنی است، و وای بر شما از آنچه درباره خداوند توصیف می کنید».

علاوه بر اینکه بایـد توجّه داشت: فریب خوردن عوام و قبول ادعای دروغین دجّال گونه های مـدّعی مهدویت(۲) توسّط آنان، در بیشتر موارد

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۸.

۲- تعـداد کسانی که در طی تاریـخ اسـلام، ادّعای مهـدویت داشـته و به انگیزه های مختلف، به دروغ خود را "قائم آل محمّد علیهم السلام " معرّفی کرده اند، یا برخی از مریدان آنها، این عنوان را به دروغ بر ایشان تبلیغ و ترویج کرده اند، بیش از پنجاه نفر می باشد.

به خاطر عدم آشنایی آنان به نشانه های حضرت مهدی علیه السلام و نسب شریف ایشان و ویژگی های خاصّی است که برای ایشان در احادیث گوناگون(۱) مورد تصریح قرار گرفته است، و گرنه در این باب، جایی برای گمراهی و گمراه ساختن دیگران وجود ندارد.

این وظیفه علما و اندیشمندان است که "عقیده به مهدویت" را تبیین کنند و هدف های آن را به مردم بشناسانند و ویژگی ها و نشانه هایی را که به وسیله آنها "حضرت مهدی موعود علیه السلام " از دغل پیشگان مدّعی "مقام مهدویت" باز شناخته می شود، برای توده مسلمانان برشمارند و توضیح دهند.

ثالثا: یکی از فرق هایی که بین احادیث متواتره و غیره متواتره(۲) وجود دارد، این است که: در "متواتر لفظی تفصیلی"(۳) یقین و باور قطعی نسبت به صدور آن حدیثِ معین از ناحیه معصومین علیهم السلام به عین همان

۱- برای شناختن این خصوصیات، از حیث اصل و نسب و سیمای ظاهری و کیفیت اخلاق و رفتار، و از حیث علامات و معجزات و نحوه ظهور و حکومت آن بزرگوار، می توان به کتاب هایی که در این باب نوشته شده؛ همچون مهدی موعود، منتخب الاثر و ... مراجعه نمود.

۲- غیر متواتر؛ اعمّ از خبر یک یا چند راوی، و اعمّ از اینکه قراینی بر صحّت و صدور آن از معصوم علیه السلام وجود داشته یا نداشته باشد، تعبیری دیگر از همان "خبر واحد" است.

۳- احادیث بسیاری با اسناد گوناگون و به وسیله راویان مختلف، از معصومین علیهم السلام نقل شده اند؛ امّا همگی آنها از حیث مضمون و لفظ کاملاً ـ یکسان بوده و در تعابیر و کلمات، هیچ اختلافی با هم ندارند؛ چنان که همه این راویان، اتّفاق دارند بر اینکه: از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «انّی تارك فیکم الثقلین، کتاب اللّه و عترتی».

کلمات و الفاظِ موجود در متن حدیث حاصل می شود و در چنین حدیثی ممکن نیست اختلاف و تعارض ایجاد شود، مگر توسط حدیث متواتر دیگری که با همین خصوصیات، مفاد معنایی خلاف(۱) حدیث اوّل داشته باشد؛ که در این صورت باید به وسیله ایجاد موافقت بین دو معنا و جمع بین دو حدیث به وسیله حمل عام بر خاص (تخصیص عام) و حمل مطلق بر مقید (تقیید مطلق) و یا حمل ظاهر بر اظهر (تقدیم اظهر) و مانند اینها، تنافی و اختلافِ ظاهری و ابتدایی بین دو روایات را حل کرد.

اگر چنین جمعی ممکن نبود، ظاهر هر دو روایت از اعتبار ساقط گردیده و هیچ کدام صلاحیت برای استناد حکمی به آن را نخواهد داشت.

امّا در "متواتر اجمالی"(۲)؛ اختلاف و تعارضی که در عبارات و متون

۱- این مخالفت بین دو حدیث متواتر، به گونه ای نیست که با هم تضادّ و تناقضی داشته باشند. بلکه یکی از آن دو به عنوان شرط یا قید یا خصوصیّتی زاید بر دیگری، قابل جمع با آن می باشد.

۲- احادیث متعدّده ای که اگرچه در الفاظ و تعابیرشان اختلافاتی وجود دارد؛ امّا به خاطر کثرت راویان، به گونه ای هستند که می توان علم اجمالی پیدا کرد به اینکه حداقل یکی از آنها با همین الفاظ و کلمات وارده در حدیث از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مثلاً در بعضی از این گونه روایات آمده است که: خبری که راوی مؤمن آن را نقل کرده باشد، حجت است. و در بعضی دیگر آمده است: خبری که راوی آن راستگو باشد، حجت است. در بعضی دیگر آمده است: خبری که روایت کننده آن، عادل باشد، حجت است. در اینجا علم پیدا می کنیم که حداقل یکی از این روایت ها، صحیح و صادر شده از معصوم است. حال در این میان، روایتی را که خاص تر از بقیّه روایات است، و شمول کمتری دارد، و به عبارت دیگر: بقیه روایات هم آن را به نوعی تأیید می کنند، اختیار کرده و به مضمونش عمل می نماییم. در مثال مذکور، آخرین دسته این روایات؛ یعنی حجّت بودن "خبر عادل" است؛ زیرا اگر راوی عادل باشد، حتما مؤمن و راستگو هم هست، و دو دسته قبلی آن را شامل می شوند.

احادیث هست، مشکلی ایجاد نمی کند؛ بلکه به آن روایتی که از همه روایت های آن مجموعه، اخصّ است و شمول کمتری دارد، اخذ می شود.

امّا در "متواتر معنوی"(۱)؛ به قدر مشترک همه احادیث و مضمونی که در همگی آنها تکرار شده و مورد اتّفاق کلّ آن مجموعه است، أخذ می شود.

بنابراین، اختلاف داشتن متن و مضمون احادیث، زیانی به متواتر بودن آنها نمی زند؛ بلکه در احادیث غیر متواتر نیز، این اختلاف متن، ضرری به صحّت آن "حدیث صحیحی" که بین آنهاست، وارد نمی کند؛ زیرا در این صورت هم روایت صحیح تر، و روایتی که به خاطر مطابقت مضمون آن با کتاب یا سنّت قطعی یا به خاطر قوی بودن متن

۱- مجموعه ای از احادیث که همگی بر معنایی خاصّ یا حکمی معین "دلالت مشترک" دارند، اگرچه در الفاظ و تعابیر با یکدیگر اختلاف دارند. به شکلی که در بین این مجموعه، هیچ حدیثی را نتوان یافت که به طور قطع و یقین، مضمون و متن و الفاظش، همگی از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده است. مثل روایت هایی که درباره کیفیت جنگ های امیرالمؤمنین علی علیه السلام با الفاظ و تعابیر و مضامین گوناگون وارد شده اند، ولی همگی آنها در اثبات شجاعت بی نظیر برای مولا علی علیه السلام متّفق هستند و مثل حکایات فراوان و نقل های متفاوتی که درباره بخشش و کرم حاتم طایی در کتاب های مختلف وجود دارد که از همگی آنها به آنه که قدر مشترک و مضمون عامّ بین همه آنهاست، یقین و علم قطعی پیدا می شود و آن، وجود حاتم در زمانی که زمان های گذشته و دارا بودن جود و بخشش بسیار توسط او می باشد.

حـدیث یا به خاطر تأییـد مضـمون آن توسّط شواهـد و قراینی خاصّ، نسبت به حـدیث دیگر متعارض با آن، رجحان و برتری دارد، مورد عمل قرار می گیرد.

این امور را، جز کسانی که در علم حدیث شناسـی دارای تجربه و مهارت کافی باشند، باز نمی شناسند، و اگر جز این بود و به خاطر کمترین تعارض و اختلافی بایـد همه احادیث متعارض کنار گذاشـته می شـد، لازم بود که کلّیه روایات یا حداقل اغلب آنها، از درجه اعتبار ساقط باشـند، که نتیجه اش تغییر چهره دین اسـلام در اکثر احکام شرعی و دستورات فقهی بود؛ زیرا کمتر موضوعی در عقایـد و احکام و تاریـخ و تفسـیر قرآن کریم و ماننـد آنها پیـدا می شـد، که احادیث وارد شـده در آن موضوع، بدون اختلاف و تعارض باشند؛ اگرچه تعارضی "ناپایدار" به "عموم و خصوص" یا "اطلاق و تقیید".

بنابراین، در از بین بردن این تعارضات ابتـدایی که در گفتگوهای عادی مردم نیز وجود دارد، و در تشـخیص حدیث درست از نـادرست و حـدیث قویّ از ضـعیف و روایت معتـبر از غیر معتـبر، تنهـا راه این است که به قواعـد و مقرراتی که در نزد عُقلاـ و اندیشـمندان معتبر است، اسـتناد گردد و به خبرگان و اشـخاص صلاحیت دار رجوع شود و بدین وسیله بعضی از احادیث را به بعضـی دیگر بازگردانـده و در صورت امکـان جمع بین روایات و عمل به روایتی که از نظر سـندی یا مضـمونی قوّت و متانت بیشتر دارد، یا با قرآن کریم و سنّت ثابت شده و مانند آن،

موافق تر است، به این قاعده عمل شود و از ردّ کردن روایت و نادیده گرفتن آن خودداری گردد.

نتیجه کلام اینکه: اخبار و روایاتی که درباره "مهدویت" از معصومین علیهم السلام وارد شده، همگی باید در پرتو چنین قواعدی بحث و بررسی شود، چنان که احادیث متواتره ای داریم، مورد عمل قرار گیرد، و در اخبار غیر متواتره نیز، بعضی به بعضی تقویت شده، و برخی، برخی دیگر را تفسیر کند، و اگر خبر ضعیفی هم هست، ملاحظه شواهد و قرائن و بقیه موارد تأییدِ معتبر، در آن عمل شود.

از این رو می توان گفت: هیچ کسی احادیث وارده در باب "عقیده به مهدویت" را مردود و شبهه دار نمی پندارد، مگر ناآگاهانِ به صناعت حدیث شناسی، یا آگاهانی که تحت تأثیر تبلیغات باطل و فتنه های گمراهی آفرین استعمارگران، با سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنی برخاسته اند.

الهام گیری از باورداشت مهدویت

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام ، عقیده ای است که امید می آفریند و نشاط و تلاش ایجاد می کند، سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می برد، حرکت های اصلاح گرانه و اسلام خواهانه را تشویق می کند، و جان های شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می نماید.

[دین] اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقّق همه آرمان هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها آمده است،

دست نیافته است. آینده از آنِ اسلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی حکمروا باشد و همه ستمگری ها و حقّ کشی ها را از بین ببرد.

دنیا به زودی به دامن اسلام پناه خواهد آورد و نیاز دنیا به اسلام هر روز ظاهرتر از روز پیش به چشم می خورد. نور اسلام هر روز روشن تر، و پرتوی آن هر روز درخشان تر از قبل در همه دنیا احساس می شود.

شکست نظام های استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک آلود غیر انسانی، و عدم موفّقیت برنامه های اقتصادی و سیاسی آنان در گسترش امنیت و آسایش مردمی، و ناکام ماندن این سیاست ها در تحقّق اهداف انسانی، و از بین بردن جهل و ستم و کینه جویی ها و نژادپرستی ها، روز به روز دل ها را برای قبول اسلام آماده تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه های الهی آن که یگانه راه حلّ مشکلات بشریت است مشتاق تر می سازد.

بشریتِ سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظام های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت؛ بلکه این نظام ها و مکتب های غیر الهی، برای انسانِ امروز دست آوردی جز فروماندگی بیشتر و دشوارتر شدن کارها و مشکلات و فزونی فحشا، منکرات، فساد، گردن فرازی و استکبار نداشته است.

"اعتقاد به مهدویت" درک ما را نسبت به "کرامت انسان" بیدار می کند

و این باور را که: «زمین، نه از آنِ ستم پیشگان و استعمارگران؛ بلکه از آنِ خداست، و فرجام کار برای تقواپیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و رسول گرامی اش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را با هدایت و آیین حقّ برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است» تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل های ما جای می دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید و برپا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام وا می دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می سازد و در عمل به مسؤولیت هایی که برعهده داریم، مورد بازخواست قرار می دهد.

خدای تبارک و تعالی که راستگوترین است در این باره می فرماید:

«هُوَ الَّذِیآ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»؛(۱)

«اوست که رسول گرامی اش را با هدایت و آیین حقّ فرستاد تا آن را بر همه دین ها برتری بخشد، اگرچه ناخوشایند مشرکین باشد».

و می فرماید:

«وَعَدَ اللّه ُالَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ

۱- سوره توبه، آیه ۳۳.

لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الاْءَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنا یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئا وَمَن کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولآئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ»؛(۱)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده است که آنان را در زمین به خلافت رساند، چنان که پیشینیان آنان را خلافت بخشید و دینی را که بر ایشان پسندیده است، اقتدار و تمکین دهد و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند، و هرکس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان به شمار آید».

و چنان که می فرماید:

«وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الاْءَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»؛(۲)

«ما می خواهیم بر مستضعفین زمین منّت گذاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم».

و باز چنان که می فرماید:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنا لِعِبادِنَا الْمُرْسَلِینَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُندَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ»؛(۱)

«کلمه و تقدیر ما از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته خود قبل از انگیزش آنان به پیامبری بر این قرار گرفته که همانا آنان یاری شدگانند و لشکریان ما پیروزمند و غلبه یافتگانند».

اساس عقیده به مهدویت

اساس در عقیده به مهدویت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا به حاکمیت اسلام و فرامین الهی، و یگانه شدن قوانین و نظام های موجود، و خلافت مؤمنان و شایستگان در زمین، و تبدیل ترس و هراس بشریت به امان و امنیت، و نابودی همه مظاهر استضعاف و استکبار، همگی در همان نیروی اوّلیه ای است که به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرک و استکبار و آزادسازی انسان از سلطه طواغیت و خارج ساختن بشریت از ذلّت بندگی مردم به سوی عزّت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به ودیعت نهاده شده است.

اینکه می بینیم: دنیا به سوی جامعه ای یگانه و بین المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی؛ یگانه شدن بشریت و یکی شدن اقوام و ملیت های مختلف را میسّر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملّت ها و قومیت های گوناگون، آن

۱- سوره صافات، آیه ۱۷۱ ۱۷۳.

را مانند اهل شهری؛ بلکه محلّه ای واحد قرار داده است؛ همگی زمینه ساز آینده ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می رود؛ یعنی همان طور که بشریت جامعه های قبیله ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تأسیس جوامع شهرنشین، براساس وحدت منطقه یا منافع سیاسی یا اقتصادی یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلّط بر دیگری است، یقینا در همین سیرِ رو به رشد، روزی از این حکومت های جزئی و وحدت های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طایفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت دست پیدا خواهد کرد که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می شود و همه در آن مساوی اند.

ما مسلمانان، همچنان که همه خبرهای غیبی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داریم و چنان که به فرشتگان خدا و کتاب ها و پیامبران او ایمان داریم، و آنچه را که از جزئیات و تفاصیل معاد و بهشت و دوزخ و مانند آن که جز به وسیله وحی و خبر دادن پیامبر صلی الله علیه و آله قابل اثبات نیست به ما خبر داده اند، تصدیق می کنیم، همین طور به وعده خداوند نیز که آن را در کتاب مجیدش خطاب به ایمان آورندگان و همه بشریت بیان فرموده و ما را زبان پیامبران و رسولانش نسبت به آن بشارت بخشیده، و پیامبر راستگو و امین ما آن را به آگاهی ما رسانده است ایمان داریم و نسبت به تحقّق این وعده الهی در وراثت صالحان و حکومت اسلام و قرآن در تمام جهان، تردیدی به خود راه نمی دهیم و از خدا می خواهیم که ما را

بر این عقیده و بر تمام مبادی و اصول اسلامی و باورهای اصیل و صحیح، پایدار و ثابت قدم بدارد.

«رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنتَ الْوَهّابُ»؛(۱)

«پروردگارا! بعد از اینکه ما را هدایت فرمودی، ضلالت و گمراهی را به دل های ما راه مده و از جانب خویش رحمتی خاصّ به ما عنایت کن، که همانا تو بسیار بخشنده و عنایت کننده ای».

کتاب های مستقل درباره مهدویت

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اهتمامی خاص داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه و محکم کردن ایمانِ به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان داشته اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب "سُنن" و "مَسانید" و "جوامع" و غیره، کتاب های روایی مستقل و مجموعه های احادیث خاصّ در این زمینه فراوان نگاشته اند.

از آن میان، ما به افزون از سی کتاب که به شکل مستقلّ، به کوشش بزرگان اهل سنّت در این باره تألیف شده است، آگاهی یافتیم که به عنوان نمونه می توان از کتاب های "البیان فی اخبار صاحب الزمان" و "القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر علیه السلام " و "عقد الدرر"

۱- سوره آل عمران، آیه ۸.

و "العرف الوردی" و ... نام برد. این کتاب ها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبات می کنند، این است که "باورداشتِ مهدویت" باوری اسلامی است که اساس آن به کتاب و سنّت نبوی صلی الله علیه و آله برمی گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین به آن اعتقاد داشته اند و اختصاصی به مذهبی خاصّ از مذاهب مختلف مسلمین ندارد.

اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان یافتن سلسله پیامبران الهی به وجود شریف پیامبر گرامی اسلام «حضرت محمّد صلی الله علیه و آله » است، و اینکه آیین او هرگز نسخ نخواهد گشت و اینکه حضرت مهدی علیه السلام چنان که در کتاب "المهدی" از "سنن ابوداود" آمده و احادیث صحیحه متعدّدی به آن تصریح دارند دوازدهمین جانشین اوست. آخرین نفر از جانشینانی است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امّت خویش را به آمدن یکایک آنان بشارت بخشیده است و این بشارات همگی در احادیث گوناگونی که با سندهای فراوان در "مسند احمد بن حنبل" و "صحیح بخاری" و "صحیح مسلم" و غیر آنها نقل شده است، مورد اعتراف همگان است.

هرکس بخواهد به میزان قوّت و اعتبار آنچه که مدرک و مستند مسلمانان در «عقیده به مهدویت» قرار گرفته، آگاهی یابد و کثرت روایات این باب، و فراوانی مؤلّفین و جمع آورندگان آنها را دریابد، و شهرت این روایات در بین اندیشمندان و دانشمندان اسلامی را غیر قابل انکار بیند، باید به کتاب های "جوامع"، "سنن"، "مسانید" و کتاب های "تفسیر"، "تاریخ"، "رجال"، "فرهنگ نامه ها"، "لغت نامه ها"

و غیر آن مراجعه نماید، تا بفهمد که برشمردن همه این احادیث و کتاب های مربوطه کاری بسیار دشوار است.

ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتاب ها که پیرامون این موضوع نگاشته شده، سخن می گوییم و به عنوان نمونه ای از این گونه تألیفات و به عنوان دلیلی بر بسیاریِ چشمگیر این مطالب در کتاب های دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می پردازیم. این کتاب "البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام "(۱) نام دارد.

امّا کتاب و مؤلّف آن، هر دو بی نیاز از تعریف هستند؛ زیرا خود کتاب از کتاب های مشهور و معروف است که نسخه خطّی آن در چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیرا چاپ جدیدی از این کتاب با استفاده از تصویربرداری از نسخه خطّی موجود در کتابخانه مسجدالحرام در مکّه مکرّمه عرضه شده است و ما خود نیز نسخه خطّی دیگری از آن را که در کتابخانه مسجد اعظم قم از یادگارهای مرحوم مغفور آیت اللّه العظمی بروجردی حفظ و نگهداری می شود، مشاهده کرده ایم.

مؤلّف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور «علی بن حسام الدین بن عبدالملک المتقی الشاذلی المدینیّ الهندی» متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. وی نویسنده ای معروف است و شرح حالش

۱- این کتاب که متأسفانه تاکنون به فارسی ترجمه نشده است، دارای ابواب مختلف است که در هر باب مجموعه ای از مشهورترین و معتبرترین روایات اهل سنّت، درباره حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات آن حضرت و نشانه های ظهور ایشان جمع آوری شده است.

در کتاب هایی که پیرامون زندگی نامه های علما و بزرگان اهل سنّت نگاشته شده است، موجود است. چنان که در مقدمه و نسخه چاپ شده همین کتاب نیز شرح زندگانی و آثار و مقامات او درج گردیده است.

برخی از آنچه در این کتاب آمده و برآنیم تا آگاهی مختصری نسبت به آن پیدا کنیم، عبارتند از: اسامی آن دسته از مشایخ و راویان و صاحبان کتاب های "جامع"، "سنن" و "مسانید" که احادیث مربوط به "عقیده به مهدویت" را در کتاب های خویش روایت کرده اند، و مؤلّف این کتاب نیز روایات وارده را از ایشان نقل کرده است، و نیز اسامی گروهی از علمای مشهور و تابعینی(۱) که پس از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله این احادیث و اخبار را روایت کرده اند و نیز اسامی گروهی از صحابه که خود، بدون واسطه از رسول اللّه صلی الله علیه و آله نقل حدیث کرده اند.

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث

۱ طبرانی ۲ ابونعیم اصفهانی ۳ خطیب بغدادی ۴ ابن ابی شیبه ۵ نعیم بن حمّاد، یکی از اساتید امام بخاری صاحب "صحیح بخاری" ۶ الحاکم ۷ احمد ۸ مارودی ۹ بزّاز ۱۰ ترمذی ۱۱ دارقطنی ۱۲ ابن ماجه ۱۳ ابویعلی موصلی ۱۴ ابن عساکر ۱۵ مسلم ۱۶ ثعلبی ۱۷ ابوداود ۱۸ ابن جوزی ۱۹ ابن ابی اسامه ۲۰ تمام بجلی ۲۱ رویانی ۲۲ ابن منده۲۳ حسن بن سفیان شیبانی۲۴ عثمان بن سعید

۱- تابعین به کسانی گفته می شود که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده اند؛ لکن با اصحاب و یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که پس از پیامبر می زیسته اند، همنشینی و مصاحبت داشته و از آنان نقل روایت نموده اند.

دانی ۲۵ ابوالحسن حوبی ۲۶ ابن کثیر ۲۷ ابن سعد ۲۸ واقدی ۲۹ ابوبکر بن مقری ۳۰ ابن مناوی ۳۱ ابوغنم کوفی ۳۲ ابن مردویه ۳۳ ابن خزیمه ۳۴ ابوعوانه ۳۵ ابوبکر اسکافی ۳۶ دیلمی ۳۷ قرطبی ۳۸ ابن لهیعه ۳۹ ابوبکر احمد بیهقی ۴۰ ابوالحسن آبری ۴۱ ابن حبّان ۴۲ ابوبکر احمد بن محمّد بن عبداللّه بن صدقه.

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین

۱ عاصم بن عمرو بجلی ۲ سعید مسیّب ۳ ابوجعفر محمّد بن علی الباقر علیه السلام ۴ اسحاق بن یحیی ۵ شهر بن حوشب ۶ زهری ۷ مطر الورّاق ۸ طاووس ۹ صباح ۱۰ عمرو بن علی ۱۱ مکحول ۱۲ کعب بن علقمه ۱۳ قتاده ۱۴ عبداللّه بن حارث ۱۵ محمّد بن حبیر ۱۶ ارطاه بن منذر ۱۷ حَکم بن عیینه ۱۸ ابوقبیل ۱۹ ابن ابی طلحه ۲۰ کثیر بن مرّه ۲۱ ابن سیرین ۲۲ مجاهد ۲۳ خالد بن سعد ۲۴ ابومریم ۲۵ شریک ۲۶ ابوارطاه ۲۷ ضمره بن حبیب ۲۸ حکم بن نافع ۲۹ خالد بن معدان ۳۰ محمّد بن حنفیه ۳۱ سدی ۳۲ سلیمان بن عیسی ۳۳ بقیه بن ولید ۳۴ ولید بن مسلم ۳۵ قیس بن جابر ۳۶ عمرو بن شعیب ۳۷ ابن شوذب ۳۸ دینار بن دینار ۳۹ معمّر ۴۰ فضل بن دکین ۴۱ سالم بن ابی جعد ۴۲ محمّد بن صامت ۴۳ حکیم بن سعد ۴۴ ابراهیم بن میسره ۴۵ ابوامیّه.

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱ علی بن ابی طالب ۲ عمار بن یاسر ۳ حذیفه یمانی ۴ ابوسعید

خدری ۵ طلحه بن عبیداللّه ۶ ابن عمر ۷ عبداللّه بن مسعود ۸ جابر بن عبداللّه ۹ عبدالرحمان بن عوف ۱۰ عمر بن خطّاب ۱۱ ابن عباس ۱۲ ابوهریره ۱۳ انس بن مالک ۱۴ ابوامامه ۱۵ هلالی ۱۶ ابوطفیل ۱۷ الحسن علیه السلام ۱۸ الحسین علیه السلام ۱۹ ثوبان ۲۰ ابی بن کعب ۲۱ جابر بن سمره ۲۲ جابر صدفی ۲۳ عبداللّه بن عمرو بن عاص ۲۴ عمرو بن عاص ۲۵ امّ سلمه ۲۶ عایشه ۲۷ اسماء بنت عمیس ۲۸ امّ حبیبه.

در اینجا بعد از ذکر اسامی، به خاطر افزایش آگاهی خواننده و خالی نبودن این نوشتار از متون این احادیث و نیز به منظور کسب ثواب و اجری که در احادیثی مانند:

«مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِی أَرْبَعِینَ حَدِیثا حَشَرَهُ اللّه ُیَوْمَ الْقِیامَهِ فَقِیها»؛(۱)

«هر کس از امّت من، چهل حدیث را حفظ نماید، خداوند روز قیامت، او را به عنوان فقیه محشور می فرماید».

وعده داده شده است،(۲) درصدد برآمدیم که چهل حدیث از احادیث نقل شده در این کتاب را که افزون از دویست حدیث می باشد در این نوشتار ذکر نماییم. وما توفیقی الاّ باللّه.

۱- از فرمایشات رسول اللّه صلی الله علیه و آله .

۲- از شافعی نقل شده است که درباره این گونه احادیث گفت: مراد از این چهل حدیث، احادیثی است که درباره فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است. در همین زمینه، داستان عجیبی از احمد بن حنبل نیز نقل شده است که طالبین آن می توانند به کتاب اربعین از شیخ ابوالفتح محمّد بن احمد بن ابی الفوارس متوفّی سال ۴۱۲ هجری قمری مراجعه نمایند.

ص: ۳۱

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

اشاره

چهل حدیث

۱ احمد و ابن ابی شیبه و ابن ماجه و نعیم بن حمّاد در کتاب "فتن"، از علی علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اَلْمَهْدِیُّ مِنّا أَهْلُ الْبَیْتِ، یُصْلِحُهُ اللّه ُفِی لَیْلَهٍ»؛(۱)

«مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود».

۲ ابوداود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از امّ سلمه روایت کرده اند که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اَلْمَهْدِیُّ مِنْ عِتْرَتِی، مِنْ وُلْدِ فاطِمَهَ»؛(۲)

«مهدی علیه السلام از سلاله من است، از فرزندان فاطمه علیهاالسلام ».

۳ حاکم و ابن ماجه و ابونعیم، از انس بن مالک روایت کرده اند که وی گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«نَحْنُ سَبْعَهُ وُلْدِ عَبْدِالْمُطَّلِبِ سادَهُ أَهْلِ الْجَنَّهِ: أَنَا وَحَمْزَهُ وَعَلِیٌّ وَجَعْفَرُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ وَالْمَهْدِیُّ»؛(۳)

۱- ص ۸۹، باب ۲، ح ۱.

۲- ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲.

۳- ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۳.

«ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی».

۴ ترمذی به طریق صحیح از ابوهریره نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا إِلاّ یَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللّه ُ ذلِکَ الْیَوْمَ، حَتّی یَلِیَ الْمَهْدِیُّ»؛(۱)

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند که مهدی علیه السلام در پی آید».

۵ طبرانی در الاوسط از طریق عمرو بن علی روایتی را از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد:

«أَ مِنَّا الْمَهْدِیُّ أَمْ مِنْ غَیْرِنا یا رَسُولَ اللّه ِ؟ قالَ: بَلْ مِنّا؛ بِنا یَخْتِمُ اللّه ُ کَما بِنا فَتَحَ، وَبِنا یَسْتَنْقِذُونَ مِنَ الشِّرْکِ، وَبِنا یُؤَلِّفُ اللّه ُ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَداوَهِ الشِّرْکِ»؛(۲)

«آیا مهدی از بین ماست یا از بین دیگران؟ یا رسول اللّه! در جواب فرمود: بلکه از ماست، خداوند همچنان که به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد. به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دل های

۱- ص ۹۰، باب ۲، حدیث ۵.

۲- ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۷.

مردم الفت و پیوند ایجاد می کند، بعد از آنکه به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدایی افتاده باشد».

۶ نعیم بن حمّاد و ابونعیم از طریق مکحول از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

«قُلْتُ: یا رَسُولَ اللّه ! أَ مِنّا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِیُّ أَمْ مِنْ غَیْرِنا؟ فَقالَ: لا بَلْ مِنّا، یَخْتِمُ اللّه بِهِ الدِّینَ کَما فَتَحَ بِنا، یُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتْنَهِ کَما أَنْقَذُوا مِنَ الشِّرْکِ، وَبِنا یُؤَلِّفُ اللّه بَیْنَ قُلُوبِهِمْ، وَبِنا یُصْبِحُونَ بَعْدَ عَداوَهِ الْفِتْنَهِ إِخْوانا کَما أَصْبَحُوا بَعْدَ عَداوَهِ الشِّرْکِ إِخْوانا فِی دِینِهِمْ»؛(۱)

«گفتم: ای رسول خدا! آیا مهدی علیه السلام از بین ما آل محمّد صلی الله علیه و آله است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنان که گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند چنان که از شرک نجات یافتند، و به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم الفت و پیوند ایجاد می کند، و به وسیله ماست که مردم بعد از دشمنیِ برخاسته از فتنه، با یکدیگر برادر شدند».

۷ حارث بن ابی اسامه و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۸.

«لَتَمْلاَءَنَّ الْاَءَرْضَ ظُلْما وَعُدْوانا، ثُمَّ لَيَخْرَجَنَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى حَتّى يَمْلاَءَها قِسْطا وَعَدْلاً كَما مُلِئَتْ عُدْوانا وَظُلْما»؛(۱)

«زمین پر از ستم و دشمنی می شود و به درستی، مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند چنان که پر از دشمنی و ستم شده باشد».

۸ طبرانی در کتاب «الکبیر» و ابونعیم از ابن مسعود نقل کرده اند که گفت: رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى، يُواطِئُ اسْمُهُ اسْمِى وَخُلْقُهُ خُلْقِى، يَمْلاَءُها قِسْطا وَعَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْما وَجَوْرا»؛(۲)

«مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۹ ابونعیم از حذیفه نقل کرده است که گفت: رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَيْحَ هذِهِ الاْءُمَّةَ مِنْ مُلوكٍ جَبابِرَةٍ، يَقْتُلُونَ وَيُخِيفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلاّ مَنْ أَظْهَرَ طاعَتَهُمْ؛ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ لَيُصانَهُمْ بِلِسانِهِ، وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ وَجَنانِهِ. فَإذا أَرادَ اللّه ُ تَعالى أَنْ يُعِيدَ الاْءِسْلامَ عَزِيزا قَصَمَ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ، وَهُوَ الْقادِرُ عَلى ما يَشآءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فَسادِها. يا حُذَيْفَةُ! لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيا إِلاّ

۱- ص ۹۱ و ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۰.

۲- ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۱.

يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللّه ُ ذلِكَ الْيَوْمَ حَتّى يَمْلِكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى رَجُلٌ، تَجْرِى الْمَلاحِمَ عَلى يَدَيْهِ، وَيُظْهِرُ الْاءِسْلامَ وَلا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسابِ»؛(۱)

«وای بر این امّت از پادشاهان ستمگر! مردم را می کشند و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند، مگر کسی را که فرمان بری و اطاعت از آنان را اظهار کند. پس انسان باایمان و پرهیزکار باید با زبانش با آنان بسازد؛ امّا در قلب و با جوارحش از آنان بگریزد. پس اگر خدای بزرگ بخواهد اسلام را عزیز گرداند، هر ستمگر عناد پیشه ای را درهم خواهد شکست و او بر آنچه بخواهد تواناست و می تواند امّت را بعد از تباهی اصلاح فرماید و حالشان را نیکو گرداند ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد، به دست او پیشامدهایی عجیب به وقوع می پیوندد و خداوند به دست او اسلام را پیروز می کند و در وعده هایش خلاف نمی کند و او محاسبه گری سریع است».

۱۰ حسن بن سفیان و ابونعیم از ابوهریره نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۲.

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيا إِلاّ لَيْلَةً، لَيَمْلِكُ فِيها رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِی»؛(۱)

«اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نمانده باشد، خداوند در همان یک شب، مردی از اهل بیت مرا به حکومت خواهد رسانید».

۱۱ رویانی در کتاب مسند خویش و ابونعیم از حذیفه نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَلْمَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی، لَوْنُهُ لَوْنٌ عَرَبِیٌّ، وَجِسْمُهُ اِسْرآئِیلِیٌّ، عَلی خَدِّهِ الْاَیْمَنِ خالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ، یَمْلَاءُ الْاَرْضَ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما، یَرْضی فِی خِلافَتِهِ أَهْلُ الْاَرْضِ وَأَهْلِ السَّمآءِ وَالطَّیْرِ فِی الْجَوّ»؛(۲)

«مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است، رنگ رخساره اش، رنگ عرب ها و اندامش، اندام اسرائیلی هاست،(۳) بر گونه راستش خالی هست که مانند ستاره ای درخشان است. زمین را از عدالت پر می سازد چنان که از ستم و حقّ کشی پر شده باشد. در زمان خلافت و رهبری او، زمینیان و آسمانیان و پرندگان فضا راضی و خوشنود خواهند بود».

۱۲ ابونعیم از حسین علیه السلام روایت کرده است که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیهاالسلام فرمودند:

۱- ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۳.

۲- ص ۹۳ و ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۶.

۳- یعنی از نظر جثّه و طول قامت مثل آنهاست.

«یا بُنَیَّهُ! الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِکِ»؛(۱)

«ای دخترک من! مهدی از فرزندان توست».

۱۳ ابن عساکر از حسین علیه السلام روایت کرده است که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اِبْشِری یا فاطِمَهُ! الْمَهْدِیُّ مِنْکِ»؛(۲)

«ای فاطمه! تو را بشارت باد که مهدی علیه السلام از نسل تو است».

۱۴ طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم از هلال یا هلالی نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقّ مِنْهُما یَعْنِی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ مَهْدِیُ هذِهِ الْاُمَّهِ. إذا صارَتْ الدُّنْیا هَرَجا وَمَرَجا، وَتَظاهَرَتْ الْفِتَنُ وَتَقَطَّعَتْ السُّبُلَ، وَأَغارَ بَعْضُهُمْ عَلی بَعْضٍ، فَلا کَبِیرٌ یَرْحَمُ صَغِیرا وَلا صَغِیرٌ یُوَقّرُ کَبِیرا، یَبْعَثُ اللّه عِنْدَ ذلِکَ مِنْهُما مَنْ یَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلاَّهِ وَقُلُوبا غَفَلا؛ یَقُومُ بِالدِّینِ فِی آخَرِ الزَّمانِ، کَما قُمْتُ بِهِ فِی أَوَّلِ الزَّمانِ، وَیَمْلَاءُ الدُّنْیا عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْرا»؛(۳)

«سوگند به آن که مرا به حقیقت مبعوث گردانید! مهدی این امّت از نسل این دو نفر است اشاره به حسن و حسین علیهماالسلام زمانی که دنیا آشفته گردد و فتنه ها ظاهر شوند و راه ها کوتاه

۱- ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

۲- ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

۳- ص ۹۴ و ۹۵، باب ۲، حدیث ۱۹.

گردنـد و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورنـد که نه بزرگسالاـن به خردسالاـن رحم کننـد و نه خردسالاـن به بزرگسالاـن احترام نهند، در آن زمان خداوند از نسل این دو، کسی را بر می انگیزد که حصارهای گمراهی را می گشاید و دل های غفلت زده را بیـدا می کنـد و در آخرالزمان دین را به پا می دارد، چنان که من در ابتـدا آن را به پا داشـتم و دنیا را از عـدالت پر می سازد چنان که از ستم پر شده باشد».

۱۵ نیز او (نعیم بن حمّاد) از علی علیه السلام و عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

«اَلْمَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِی، یُقاتِلُ عَلی سُنَّتِی کَما قاتَلْتُ أَنَا عَلَی الْوَحْیِ»؛(۱)

«مهدی مردی از خاندان من است، او بر طبق سنّت من با مخالفین می جنگد چنان که من بر طبق وحی الهی می جنگیدم».

۱۶ نیز او (نعیم بن حمّاد) از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«اَلْمَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنّا مِنْ وُلْدِ فاطِمَه»؛(۲)

«مهدی علیه السلام مردی از نسل ما از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است».

۱۷ طبرانی از عوف بن مالک نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۱.

۲- ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۳.

«یَجِیءُ فِتْنَهً غَبْراءَ مُظْلَمَهً، تَتْبَعُ الْفِتَنُ بَعْضُـها بَعْضـا حَتّی یَخْرُجَ رَجُـلٌ مِنْ أَهْـلِ بَیْتِی یُقالُ لَهُ الْمَهْـدِیُّ؛ فَإِنْ أَدْرَکْتَهُ فَاتَّبِعْهُ وَکُنْ مِنَ الْمُهْتَدِینَ»؛(۱)

«فتنه ای سخت تیره و تاریک فرا می رسد، فتنه ها پشت سر هم بر مردم وارد می شوند، تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند که مهدی خوانده می شود. اگر او را دریافتی پیروی او باش تا از هدایت یافتگان باشی».

۱۸ دانی از حکم بن عُیینه نقـل کرده است که گفت: به محمّـد بن علی عرضه داشـتم: شـنیدم که از نسل شـما مردی ظهور می کند که در این امّت عدالت را برپا می دارد، فرمود:

«إِنّـا نَرْجُو مـا یَرْجُو النّـاسُ، وَإِنّـا نَرْجُو ما لَمْ یَبْقَ مِنَ الـدُّنْیا إِلاّ یَوْمٌ لَطَوَّلَ اللّه ُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَکُونَ ما تَرْجُوهُ هـذِهِ الاْءُمَّهُ، وَقَبْلَ ذلِکَ فِتَنِ شَرٍّ؛ فِتْنَهً یُمْسِی الرَّجُلُ مُؤْمِنا وَیُصْبِحُ کافِرا، وَیُصْبِحُ مُؤْمِنا وَیُمْسِی کافِرا، فَمَنْ أَدْرَکَ ذلِکَ مِنْکُمْ فَلْیَتَّقِ اللّه َ وَلْیَکُنْ مِنْ إِجْلاسِ بَیْتِهِ»؛(۲)

«همانا ما به همان چیزی که مردم امیـد دارنـد، امیـد بسـته ایم و امیـدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانـده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی کند که آنچه را این

۱– ص ۱۰۳، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۲.

۲– ص ۱۰۴، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۷.

امّت به آن امید بسته اند، تحقق پذیرد و قبل از آن بدترین فتنه ها پدید می آید، چنان که شخصی از برخی مردم، در شب مؤمن است و صبح که می شود کافر شده است، یا در صبح مؤمن است و شب که می رسد کافر گردیده است، پس اگر کسی از شما به چنین فتنه ای گرفتار شد، باید تقوای الهی پیشه کند و باید کناره گزینی و خانه نشینی اختیار کند».

۱۹ امام ابوعبداللّه نعیم بن حماد در کتاب الفتن از عمار بن یاسر نقل کرده است:

«إِذا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ، وَأَخُوهُ تَقْتُلُ بِمَكَّةَ ضَيْعَةً، نادى مُنادٍ مِنَ السَّماءِ: أَنَّ أَميرَكُمْ فُلانٌ وَذلِكَ الْمَهْدِيُّ الَّذِى يَمْلَأُ الْأَرْضَ حَقّا وَعَدْلاً»؛(۱)

«زمانی که نفس زکیه کشته شود و برادرش در مکّه به نبردی شدید پردازد، ندا دهنده ای از آسمان ندا دهد که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان مهدی است؛ کسی که زمین را از حقیقت و عدالت آکنده سازد».

۲۰ طبرانی در کتاب الاوسط از طلحه بن عبیداللّه، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

«سَتَكُونُ فِتْنَةً لا يَهْدَأُ مِنْها جانِبٌ إِلّا جاشَ مِنْها جانِبٌ، حَتّى

۱- ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۷.

يُنادِى مُنادٍ مِنَ السَّمآءِ: أَنَّ أَمِيرَكُمْ فُلانٌ»؛(۱)

«فتنه ای خواهد بود، هنوز طرفی از این فتنه آرام نگرفته که طرف دیگری بر می شورد قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آن که قسمتی دیگر از آن برمی آشوبد تا آن که ندا دهنده ای از آسمان ندا در می دهد: همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است».

۲۱ ابونعیم و خطیب در کتاب "تلخیص المتشابه" از ابن عمر نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِىُّ وَعَلى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنادِى: إِنَّ هذا مَهْدِىٌّ فَاتَّبِعُوهُ»؛(۲)

«مهدی قیام می کند در حالی که بالای سر او فرشته ای ندا می دهد: این مهدی است از او پیروی کنید».

۲۲ ابونعیم از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«إِذا نادى مُنادٍ مِنَ السَّمآءِ: أَنَّ الْحَقَّ فِى آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِىُّ عَلى أَفْواهِ النّاسِ وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَلا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ»؛(۳)

«زمانی که ندادهنده ای از آسمان ندا می دهد که: حقّ در خاندان محمّد صلی الله علیه و آله است. در آن هنگام نام مهدی بر زبان های مردم

۱- ص ۷۱، باب ۲، حدیث ۱.

۲- ص ۷۲، باب ۲، حدیث ۲.

۳- ص ۷۳، باب ۱، حدیث ۴.

آشکار می گردد و محبّت او را به دل می گیرند و از غیر او یاد نمی کنند».

۲۳ نیز او (نعیم بن حماد) از شهر بن حوشب نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فِی الْمُحَرَّمِ یُنادِی مُنادٍ مِنَ السَّمآءِ: أَلا إِنَّ صَفْوَهَ اللّهِ ِمِنْ [خَلْقِهِ فُلانٌ] فَاسْمَعُوا لَهُ، أَطِیعُوهُ فِی سَنَهِ الصَّوْتِ الْمُعْمَعَهِ»؛(۱)

«در ماه محرم، نـدا کننـده ای از آسـمان ندا می دهد: آگاه باشـید که برگزیده خدا از میان خلایق فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید و از او اطاعت کنید در سالی که جنگ ها و فتنه ها فراوان است و سالِ صدای آسمانی است».

۲۴ از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«تُخْتَلَفُ ثَلاثُ راياتٍ: رايَهٌ بِالْمَغْرِبِ وَرايَهٌ بِالْجَزيرَهِ وَرايَهٌ بِالشّامِ؛ تَدُومُ الْفِتْنَهُ بَيْنَهُمْ سَنَهً. ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ السُّفْيانِيِّ وَما يَفْعَلُهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ، ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ وَمُبايَعَهَ النّاسِ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ، وَقالَ: يَسيرُ بِالْجُيُوشِ حَتّى يَسيرَ بِوادِى الْقُرى فِى هُدُوءٍ وَرِفْقٍ، وَيَلْحَقُهُ هُناكَ ابْنُ عَمِّهِ الْحَسَنِيُّ فِى اثْنَى عَشَرَ أَلْفِ فارِسٍ، فَيَقُولُ لَهُ: يَابْنَ عَمِّ! أَنَا

۱- ص ۷۵، باب ۱، حدیث ۹.

أَحَقُّ بِهـذَا الْجَيْشِ مِنْكَ، أَنَا ابْنُ الْحَسَنِ وَأَنَا الْمَهْدِیُّ. فَیَقُولُ لَهُ الْمَهْدِیُّ: بَلْ أَنَا الْمَهْدِیُّ. فَیَقُولُ لَهُ الْحَسَنِیُّ: هَلْ لَکَ مِنْ آیَهٍ فَأُبایِعُکَ؟ فَیُومِئُ الْمَهْدِیُّ إِلَی الطَّیْرِ فَیَسْقُطُ عَلی یَدَیْهِ، وَیَغْرِسُ قُضَیْبا فِی بُقْعَهٍ مِنَ الْاءَرْضِ فَیَخْضَرُ وَیُورَقُ، فَیَقُولُ لَهُ الْحَسَنِیُّ: یَابَنْ عَمِّی هِیَ لَکَ»؛(۱)

«سه پرچم به مخالفت با یکدیگر برافراشته شود؛ پرچمی در مغرب و پرچمی در عربستان و پرچمی در شام، و فتنه و جنگ بین آنها یک سال طول می کشد سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی که بر مردم روا می دارد، یاد کرد و پس از آن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام یاد نمود و فرمود: لشکریان خویش را حرکت می دهد تا در کمال آرامش و مدارا به وادی القری می رسند. در آنجا پسرعمویش(۲) سیّد حسنی همراه با دوازده هزار سوار به او می رسد و می گوید: ای پسرعمو! من به فرماندهی این لشکر سزاوارتر از تو هستم؛ زیرا من فرزند امام حسن علیه السلام هستم

۱- ص ۷۶ و ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۵.

۲- از اینکه در این روایت، چند مورد تصریح شده است که سیّد حسنی که از نسل امام حسن علیه السلام است حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان پسرعمو خطاب می کند، می توان استفاده کرد که: قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله از نسل امام حسین علیه السلام می باشد، چنان که عقیده همه علمای شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنّت است، و در کتاب های مختلف از جمله منتخب الاثر مجموعه ای از روایات اهل تسنّن و تشیّع در این باره نقل شده است.

و مهـدی من هسـتم. حضـرت مهـدی علیه السـلام به او می فرمایـد: بلکه من مهدی هسـتم. حسـنی می گوید: آیا تو را نشانه و معجزه ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضـرت مهدی علیه السـلام به پرنده ای اشاره می نماید و پرنده در دست هایش قرار می گیرد و نِی خشـکی را می گیرد و در زمین می کارد بلافاصـله سبز می شود و برگ می دهد. آن زمان «سـید حسـنی» به او عرض می کند: ای پسر عموی من! این مقام سزاوار توست».

۲۵ نعیم و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یَکُونُ عِنْدَ انْقِطاعٍ مِنَ الزَّمانِ وَظُهُورٍ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ یُقالُ لَهُ الْمَهْدِیُّ، یَکُونُ عَطآؤُهُ حَثِیّا»؛(۱)

«هنگامی که آخرالزمان شود و یأس و ناامیـدی رخ نمایـد و فتنه ها ظاهر شود، مردی خواهـد بود که مهـدی نامیـده می شود و بخشش و عطایایش ریزان و سرشار است».

۲۶ ابونعیم از عبدالرحمن بن عوف نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یَکُونُ عِنْدَ انْقِطاعٍ مِنَ الزَّمانِ لَیَبْعَثَنَّ اللّه ُمِنْ عِتْرَتِی رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنایا أَجْلَی الْجِبْهَهِ یَمْلَاءُ الْاءَرْضَ عَدْلاً، یَفِیضُ الْمالَ فَیْضا»؛(۲)

۱- ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۳.

۲- ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۲.

«هنگـامی که آخرالزمـان شود یأس و ناامیـدی و قحطی رخ نمایـد به تحقیق خداونـد مردی از خانـدان مرا برخواهـد انگیخت، دندان های پیشینش فاصله دار و جبینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می سازد و مال فراوان می بخشد».

۲۷ احمد و مسلم از ابوسعید و جابر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:

«یَکُونُ فِی آخِرِ الزَّمانِ خَلِیفَهً یُقَسِّمُ الْمالُ وَلا یَعُدُّهُ»؛(۱)

«در آخرالزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد، تقسیم می کند».

۲۸ حـذیفه یمانی از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضـرت درباره قضـیه حضـرت مهدی علیه السـلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقامِ خانه کعبه و خروج او به سوی شام فرمود:

«وَجَبْرَئِیلُ عَلی مَقْدِمَتِهِ، وَمِیکائِیلُ عَلی ساقَتِهِ، یَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمآءِ وَالْاءَرْضِ وَالطَّیْرُ وَالْوَحْشُ وَالْحِیتانُ فِی الْبَحْرِ»؛(۲)

«و جبرئیـل در رأس پیشاهنگـان لشـکر و میکائیل در رأس دنباله داران لشـکر او قرار دارنـد، آسـمانیان و زمینیان و پرنـدگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی به ظهور او شاد می شوند».

۱- ص ۸۳، باب ۱، حدیث ۲۸.

۲- ص ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۶.

این روایت را ابوعمر و عثمان بن سعید مقری نیز در کتاب «سنن» خود نقل کرده اند.

۲۹ احمد و باوردی در کتاب المعرفه و ابونعیم از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بُشْراكُمْ بِالْمَهْدِيّ! رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ أُمَّتِى عَلَى اخْتِلافٍ مِنَ النّاسِ وَزَلازِلَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطا وَعَدْلاً كَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما، وَيَرْضى عَنْ ساكِنِ السَّماءِ وَساكِنِ الأَرْضِ، وَيُقَسِّمُ الْمالَ صِحاحا بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النّاسِ وَيَمْلَأُ قُلوبَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ غَنيً، وَيَسَعُهُمْ عَدْلَهُ حَتّى إنَّهُ يَأْمُرُ مُنادِيا فَيُنادِى: مَنْ لَهُ حاجَةٌ؟ فَما يَأْتيهِ أَحَدٌ إلاّ رَجُلٌ واحِدٌ، يَأْتيهِ يَسْأَلُهُ فَيَقُولُ: ائْتِ السّادِنَ يُعْطِيكَ. فَيَأْتِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا رَسُولُ الْمَهْدِيّ إلَيْكَ لَتُعْطِيَنِى مالاً فَيَقُولُ: اِحْثِ! فَيَحْثِى، فَلا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ. فَيَلْقى حَتّى يَكُونَ قَدْرَ ما يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ فَيَخْرُجُ بِهِ وَيَنْدِمُ، فَيَقُولُ: أَنَا كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ نَفْسا، كُلُّهُمْ دَعى إلى هذَا الْمالِ فَتَرَكَهُ غَيْرُهُ، فَيَرُدَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: إنّا لا نَقْبَلُ شَيْئا أَعْطَيْناهُ، فَيَلْبَثُ فِى ذلِكَ سِتّا أَوْ سَبْعا أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، وَلا خَيْرَ فِى الْحَياةِ بَعْدَهُ»؛(۱)

«شما را به مهدی بشارت باد! مردی از قریش از بین امّت من،

۱- ص ۷۹ و ۸۰، باب ۱، حدیث ۲۱.

در زمانی که مردم با هم به مخالفت و ستیز بر می خیزنـد و زلزله ها روی می دهـد، او زمین را از عدالت و برابری پر می سازد چنان که از ظلم و جور پر شده باشد. آسـمانیان و ساکنان زمین از او راضـی و خشـنود می شوند. او مال را به درستی و برابری بین مردم تقسـیم می کنـد و دل های امّت محمّد صـلی الله علیه و آله را از بی نیازی می آکند و عدالت او همگان را شامل می شود، تا آنجا که فرمان می دهـد منادی نـدا در دهـد: کیست که نیازی داشـته باشد؟ پس هیچ کس جز یک مرد به نزد او نمی آیـد. آن مرد نزد او می آیـد و درخواست می کند، می فرماید: به نزد نگهبان پرده دار برو، به تو [نیازت را] می دهد. به نزد او می رود و می گویـد: من فرسـتاده مهدی هسـتم، نزدت آمده ام که مالی به من عطا کنی. پس می گوید: بریز و آن قدر از مال به دامنش می ریزد که نمی توانـد آن را حمل کنـد. پس مال را بیرون می برد، در حالی که پشـیمان است و با خود می گوید: من طمع کارترین و حریص ترین فرد از امّت محمّد صلی الله علیه و آله بودم، همه آنان به این مال فراخوانده شدند؛ امّا جز من کسی آن را قبول نکرد. پس بازمی گردد و پول ها را به نگهبان پس می دهد. او می گوید: ما چیزی را که به کسی بخشیدیم، بـازپس نمی گیریـم. پس آن حضـرت، در چنـان حکومـتی شـش یـا هفت یـا نه سـال درنـگ می کنـد و بعـد از او، خیری در زندگانی نیست».

۳۰ نیز او (نعیم بن حمّاد) از عبداللّه از ابوسعید، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«اَلْمَهْدِیُّ مِنّا، أَجْلَی الْجِبْهَهِ أَقْنَی الاْءَنْفِ»؛(۱)

«مهدی از نسل ماست، گشاده پیشانی است و وسط بینی او قدری برآمده است».

۳۱ نعیم بن حمّاد از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«سَتَکُونُ بَعْدِی فِتَنٌ؛ مِنْها فِتْنَهُ الاْءَحْلاسِ یَکُونُ فِیها حَرْبٌ وَهَرْبٌ، ثُمَّ بَعْدُها فِتْنَهٌ أَشَدُّ مِنْها، ثُمَّ تَکُونُ فِتْنَهٌ، کُلَّما قِیلَ: انْقَطَعَتْ تَمادَتْ حَتّی لا یَبْقی بَیْتٌ إِلاّ دَخَلَتْهُ، وَلا مُسْلِمٌ إِلاّ مَلَّتْهُ حَتّی یَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِی»؛(۲)

«پس از من فتنه هایی رخ خواهد داد؛ یکی از آن فتنه ها، فتنه تنگدستی و بیچارگی و خانه نشینی خواهد بود. در آن فتنه، جنگ ها و گریزها به وقوع می پیوندند، و بعد از آن فتنه ای سخت تر و پس از آن فتنه ای دیگر خواهد بود. هرچه گفته می شود: دیگر فتنه به پایان رسید، گسترش بیشتر می یابد، تا جایی که هیچ خانه ای نمی ماند مگر آن که فتنه ای آن را در بر می گیرد، و هیچ مسلمانی نیست مگر آن که فتنه ها او را دلزده و دلتنگ ساخته باشد، تا اینکه مردی از خاندان من قیام کند».

۱- ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

۲- ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

۳۲ نعیم از علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«لا یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ حَتّی یُقْتَلُ ثُلْثٌ، وَیَمُوتُ ثُلْثٌ، وَیَبْقی ثُلْثٌ»؛(۱)

«مهدی قیام نخواهد کرد تا زمانی که یک سوم مردم کشته شوند، یک سوم دیگر بمیرند و تنها یک سوم آنها باقی بمانند».

۳۳ ابن ابی شیبه نقل کرده است که گفت: فلانی مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله برایم روایت کرد که:

«إنَّ الْمَهْدِیَّ لا یَخْرُجُ حَتّی تَقْتُلَ النَّفْسَ الزَّکِیَّة، فَإذا قُتِلَتْ النَّفْسُ الزَّکِیَّةُ غَضِبَ عَلَیْهِمْ مَنْ فِی السَّماءِ وَمَنْ فِی الأَرْضِ؛ فَأَتَی النّاسُ، فَزَفُّوهُ کَما تَزِفُّ الْعَرُوسُ إلی زَوْجِهِ لَیْلَهَ عُرْسِها، وَهُوَ یَمْلَاءُ الأَرْضَ قِسْطا وَعَدْلاً، وَتَخْرُجُ الأَرْضُ نَباتِها وَتَمْطِرُ السَّماءُ مَطَرَها وَتَنْعُمُ أُمَّتِی فِی وِلایَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعُمْها قَطُّ»؛(۲)

«همانا مهدی علیه السلام قیام نخواهد کرد تا آن زمان که نفس زکیّه کشته شود. وقتی نفس زکیّه کشته شد، هر کس در آسمان و هر کس در زمین است، بر کشندگان او خشمگین می شوند، پس مردم می آیند و شادمانه گرداگردش می چرخند چنان که در شب عروسی شادمانه گرد عروس می چرخند. و مهدی علیه السلام زمین را از

۱- ص ۱۰۳ و ۱۰۴، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۴.

۲- ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۶.

عدل و داد پر می کند و امت من در زمان ولایت و حکومت او از چنان نعمتی برخوردار می شوند که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده اند».

۳۴ ابوعمرو دانی در کتاب «سنن» خویش از خذیفه نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یَلْتَفِتُ الْمَهْدِیُّ وَقَدْ نَزَلَ عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ کَأَنَّما یَقْطِرُ مِنْ شَعْرِهِ الْمآءُ. فَیَقُولُ الْمَهْدِیُّ: تَقَدَّمْ! صَلِّ بِالنّاسِ! فَیَقُولُ عِیسی: إِنَّما أُقِیمَتِ الصَّلاةُ لَکَ، فَیُصَلِّی خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِی»؛(۱)

«مهدی علیه السلام متوجّه می شود که عیسی بن مریم نازل شده است و چنان است که گویا از موهایش آب می چکد. مهدی علیه السلام به او می فرماید: بفرما، پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی گوید: این نماز برای اقتدایِ به تو به پا داشته شده. پس پشت سر مهدی علیه السلام که مردی از فرزندان من است، نماز می خواند».

۳۵ طبرانی در کتاب الاوسط و حاکم از امّ سلمه روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یُبایِعُ الرَّجُلُ بَیْنَ الرُّکْنِ وَالْمَقامِ عِدَّهَ أَهْلِ بَدْرٍ، فَیَأْتِیهِ عَصائِبُ أَهْلِ الْعِراقِ وَأَبْدالِ أَهْلِ الشّامِ، فَیَغْزُوهُ جَیْشٌ مِنْ

۱- ص ۱۶۰، باب ۹، حدیث ۹.

أَهْلِ الشّامِ حَتَّى انْتَهَوْا بِالْبَيْداءِ خَسْفٌ بِهِمْ»؛(۱)

«عده ای به تعداد لشکریان بدر با آن مرد مهدی علیه السلام بین رکن و مقام کعبه بیعت می کنند، پس جمعی از بزرگان اهل عراق و صالحین اهل شام به یاری او می آینـد. پس لشـکری از اهل شام با او و یارانش می جنگنـد، تا به منطقه ای به نام بیداء می رسند، زمین آنان را (لشکر شام) را در خود فرو می برد».

۳۶ نعیم از محمّـد بن حنفیه نقل کرده است که گفت: نزد علی علیه السـلام بودیم، پس مردی از او درباره مهـدی علیه السـلام سؤال کرد، آن حضرت فرمود: هیهات، چقدر دور است! سپس با دستش نُه عدد شمرد(۲) و بعد فرمود:

«ذلِکَ یَخْرُجُ فِی آخِرِ الزَّمـانِ، وَإِذا قِیـلَ لِلرِّجـالِ: اللّه ـ اللّه ! قُتِـلَ؛ فَیَجْمَعُ اللّه ُ لَهُ قَوْمـا قَزَعا کَقَزَعِ السَّحابِ یُؤَلِّفُ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ، لا یَسْـتَوْحِشُونَ عَلى أَحَـدٍ، وَلا یَفْرَحُونَ بِأَحَـدٍ، دَخَلَ فِیهِمْ عَلى؛ عِـدَّهِ أَصْـحابِ بَـدْرٍ، لَمْ یَسْـبِقْهُمْ الْأَوَّلُونَ وَلا یُدْرِکْهُمْ الْآخِرُونَ، وَعَلى عَدَدِ أَصْحابِ طالُوتَ الَّذِینَ جاوَزُوا النَّهْرَ مَعَهُ»؛(۳)

«او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و در زمانی که درباره اش

۱- ص ۱۱۷، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۱۸.

۲- این نُه بار باز و بسته کردن دست یا شـمردن نُه عـدد با دست (عقـد بیـده تسـعا) چه مفهومی دارد؟ در این باره گفته شـده است: حضـرت علی علیه السـلام به این وسـیله خواسـتند اشاره ای داشته باشند به اینکه تعداد امامان معصوم از نسل حسین علیه السـلام نُه نفر است که نهمین آنان مهدی علیه السـلام است. از این رو، وقتی به نهمین شـماره رسیدند، فرمودند: «ذلک یخرج فی آخرالزمان».

۳- ص ۱۴۴، باب ۶، حدیث ۸.

گفته شود: خدا را! خدا را! که او کشته شده است،(۱) پس خداوند برای او از جای جای زمین گروهی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند، گرد هم می آورد و بین دل هایشان الفت و پیوند ایجاد می کند، به گونه ای که از هیچ کس نمی هراسند و به هیچ کس شادمان نمی شوند. به تعداد اصحاب بَدر در این گروه وارد می شوند، کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته و پسینیان توفیق درک و وصول به آنان را نمی یابند و آنان به تعداد اصحاب طالوت اند که با او از نهر گذشتند».

۳۷ ابن ماجه و طبرانی از عبداللّه بن حارث بن جزء زبیدی نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«یَخْرُجُ ناسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَیُوَطِّئُونَ لِلْمَهْدِیِّ سُلْطانَهُ»؛(۲)

«مردمی از مشرق زمین قیام می نمایند و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می کنند».

۳۸ ابوغنم کوفی در کتاب فتن از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود:

۱- عبارت متن کتاب این است: «اللّه اللّه قیل؛ یعنی خدا را! خدا را! گفته شده است»؛ لکن ظاهر این است که عبارت صحیح به این گونه باشد: «اللّه اللّه قُتل؛ یعنی خدا را! خدا را! او کشته شده است». با این همه در کشف الاستار به گونه ای دیگر آمده است: «اذا قال الرجل: اللّه تعالی قتل؛ یعنی مردی گوید که خدا او را کشته است». و افزوده است که: حافظ ابوعبداللّه حاکم در کتاب مستدرک خود آن را نقل کرده و گفته است که: این حدیث، بر مبنای بخاری و مسلم صحیح شمرده می شود، اگرچه خود آن دو ذکری از آن ندارند.

۲- ص ۱۴۷، باب ۷، حدیث ۲.

«وَیْحا لِلطّالِقانِ! فَإِنَّ للّه ِبِها کُنُوزٌ لَیْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلا فِضَّهٍ؛ وَلکِنْ بِها رِجالٌ عَرَفُوا اللّه َحَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَهُمْ أَنْصارُ الْمَهْدِیِّ فِی آخِرِ الزَّمانِ»؛(۱)

«آه از طالقان رحمت باد بر طالقان! خدا را در آن شهر گنجینه هایی است که از طلا و نقره نیستند؛ بلکه در آن مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت شناخته اند و آنان در آخرالزمان، یاوران مهدی علیه السلام خواهند بود».

۳۹ ابونعیم از ابوسعید نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مِنَّا الَّذِی یُصَلِّی عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ خَلْفَهُ»؛(۲)

«از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند».

۴۰ ابوبکر اسکافی، در کتاب فوائد الاخبار از جابر بن عبداللّه نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ کَذَّبَ بِالدَّجّالِ فَقَدْ کَفَرَ، وَمَنْ کَذَّبَ بِالْمَهْدِیِّ فَقَدْ کَفَرَ»؛(۳)

«کسی که دجّال را تکذیب کند کافر شده، و کسی که مهدی علیه السلام را تکذیب کند کافر شده است».

۱- ص ۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱۴.

۲- ص ۱۵۸، باب ۹، حدیث ۱.

۳- ص ۱۷۰، باب ۱۲، حدیث ۲.

خـدای تعالی را سـپاس می گویم که مرا به نقل این چهل حـدیث از بین روایات وارد شده درباره حضـرت مهدی علیه السـلام شرافت و توفیق بخشید.

در این باره، هرکس خواسـتار احادیثی بیشتر و بحثی گسترده تر است، می توانـد در کتاب های "مسانیـد" و "جوامع" و کتاب هـای مبسوطی چون "بحارالانـوار" و "العوالم" و کتاب "کمال الـدین" از شـیخ صـدوق و "غیبت" از شـیخ طوسـی و "کفایه الاثر" و کتاب ما "منتخب الاثر" به بررسی و تحقیق بپردازد. الحمد للّه رب العالمین

۱۲ رجب الخیر ۱۴۰۱

قم مقدّسه

لطف اللّه صافی گلپایگانی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹